



www.shariaty.com

نفاوتها و شباهتهای رفتاری ما ایرانیان با سایر مردم

آیا مقایسه‌ی رفتار ایرانیان در مقابل حوادث و بلایای مختلف، با سایر کشورها درست است؟ به نظر من به دلایلی نه و به دلایلی آری

اما چرا نه:

1 - ما ایرانیان چند هزار سال است که درگیر جنگ و دروغ و قحطی هستیم . (1) قلعه‌ها، مخفی‌گاهها و شهرهای زیرزمینی متعددی که در سرزمینمان وجود دارد ، همه نشانه‌ی همین وضعیت دشوار ایرانیان در طول تاریخ میباشد . شخصا جدای از کتابهای تاریخ از پدر و مادرم داستان قحطی و مرگ و میر در دوران زندگی شان را بارها شنیده بودم . مادرم دوران قحطی ناشی از جنگ جهانی دوم و پخت نان با آرد هسته‌ی خرما و یا مرگ و میر ناشی از وبا را به یاد داشت ، بر اساس همین تجارب ، مادر من هم مانند همه‌ی ایرانی‌های دیگر بجز قشر بسیار کم درآمد و محروم که به نان شب و جای خوابشان هم محتاج هستند ، همواره آذوقه و مواد ضروری چندین ماه خانواده را ذخیره داشت . و پدرم نیز جعبه‌ای داشت برای نگهداری داروهای ضروری ، بنابراین ما ایرانی‌ها بر اساس همین تجارب تاریخی مان در هر شرایطی آذوقه‌ی چند ماهی را در خانه‌هایمان ذخیره داریم . در چند دهه‌ی گذشته هم که به دلایلی که همه در جریان هستیم و نیاز به تکرار ندارد ما همواره در اضطراب فردایمان بوده و هستیم . و خرید و نگهداری هر چه که بتوانیم برای روز مبادا و یا جلوگیری از سقوط ارزش پولمان تهیه کنیم ، دیگر جزو ژن‌هایمان شده است بنابراین مقایسه‌ی ما با مردمی که دست کم در طول حیات خودشان عادت کرده اند فقط مایحتاج روزانه‌ی خود را خرید کرده و قادر بوده اند برای فردا و ماهها و سالهای بعد خود هم برنامه‌ریزی کنند ، مقایسه‌ی شایسته‌ای نیست .

2 - باورهای فرهنگی و عقیدتی مردم هر جامعه‌ای در رفتار آنها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد ، اعتقاد به قضا و قدر ، هر چه پیش‌آید خوش‌آید ، انشاءالله که گریه است ، بی‌خیالی ، قانون‌گریزی ، سطح‌مطالعه‌ی بسیار پایین ، عدم دسترسی به اطلاعات درست ،

عدم اعتماد به سامانه های دولتی و حاکمان ، اعتقاد به انواع درمانهای سنتی غیر علمی و حتی خرافی و خلاصه دهها و صدها عامل فرهنگی مشابه ، همگی باعث میشود که مقایسه ی رفتار ما ایرانیان در مقابل حوادث گوناگون با رفتار مردم سایر کشورها مقایسه ای درست تلقی نشود.

اما با وجود همه ی این تفاوتها ، اشتراکات رفتاری زیادی هم میان همه ی انسانها و نیز همه ی موجودات زنده وجود دارد . رفتار همه ی ما در شرایط متعادل و طبیعی ، با رفتارمان در شرایط و لحظات بحرانی متفاوت است . اگر امشب یک یا دو نفر در خانه ی ما را بزنند و نانی طلب کنند همه ی ما قطعاً نیازشان را برآورده خواهیم کرد حتی اگر خود گرسنه بمانیم . اما اگر صدها نفر به طلب گرفتن نان به خانه ی ما هجوم بیاورند به احتمال بسیار با آنها خواهیم جنگید!

فیلم تایتانیک را همه دیده ایم . قایق هایی که توانستند از معرکه بگریزند کسی را از دریا ی یخ زده ی اطراف خود نجات ندادند زیرا بیم غرق شدن قایق خود را داشتند! نمیدانم این داستان که میخواهم نقل کنم درست است یا افسانه اما منظور را بخوبی میرساند . ضمن اینکه شواهد بسیاری هم خلاف چنین مواردی را نشان داده و میدهد که ذکر خواهم کرد . در هر حال میگویند دانشمندان یک میمون را با فرزندش در قفسی با کف آهنی قرار دادند و شروع کردند به گرم کردن کف قفس . با داغ شدت کف قفس مادر فرزندش را بغل کرد و با افزایش حرارت فریاد کنان تا مدتی این پا و آن پا میکرد اما سرانجام وقتی دمای کف قفس غیر قابل تحمل شد فرزندش را زیر پایش گذاشت ! و البته همانطور که گفتم شواهد زیادی در همه ی موجودات زنده ، به فداکاری مادران در نجات فرزندان شهادت قاطع میدهد . از جمله صحنه ی شگفت آور آهویی که خود را شکار تمساحی میکند تا فرزندش فرصت فرار بیابد . اما در هر حال منظورم این است که در شرایط بحرانی و وقتی پای مرگ و زندگی پیش می آید رفتار اغلب موجودات زنده متفاوت از شرایط عادی میشود . در روم باستان اسیران را در حضور مردم به جان هم می انداختند تا یکدیگر را بکشند و اسیران که چه بسا دوست و خانواده و هم رزم هم بودند چنین میکردند ! یعنی دوستان خود را میکشند تا خود زنده بمانند ( و البته باز هم تاریخ بسیار نمونه دارد که افرادی مرگ خود را انتخاب کردند و نه قتل دیگری را ) و هدف از همه ی این گفتار اینکه عقل و خرد حکم میکند انسانها با آگاهی و تجربه ی تاریخی بر این رخداد های تلخ ، نگذارند که به چنین وضعیتهایی گرفتار آیند . شرایطی که دیگر انتظار رفتار متعادل و حتی انسانی میتواند به انتظار باطلی تبدیل شود . بنابراین شایسته است شجاعت را در این دانست که مصیبت ناشی از یک بیماری با خطر مرگ تنها دو درصد اما با قدرت شیوع بسیار را درک کرد و از آن به شدت هراسید . چرا که بیماری و مرگ میلیونها انسان در مدت چند ماه فاجعه ای غیر

قابل تصور ایجاد خواهد کرد . چند دهه ی قبل در قحطی بزرگ آفریقا پزشکان سازمان بهداشت جهانی به جای گوشی پزشکی یک ماژیک سبز رنگ در دست داشتند ! در اردوگاههای قحطی زده ها راه میرفتند و بر پیشانی آنهاپی که اگر تکه نانی دریافت میکردند امیدی به زنده ماندنشان میبود ، یک ضربدر سبز میزدند ! بقیه ی افراد امکان دریافت نان و آب ارسالی را نداشتند ! برخی از این پزشکان پس از چند روز کار در این اردوگاهها خودکشی میکردند . همه ی ما در خبر ها خوانده ایم که در لندن ! به دلیل محدود بودن تعداد دستگاههای تنفس مصنوعی پزشکان ناچار به انتخاب بیماران کرونایی برای زنده ماندن شده بودند!

بنابراین بیایید شجاعت را به مفهوم مبارزه ی عاقلانه با آنچه به حکم عقل باید از آن ترسید و از آن دوری کرد انتخاب کنیم و نه نترسیدن از مرگ خود و به کام مرگ فرستادن صدها و هزاران نفر دیگر

مظفر شریعتی

اسفند 1398

[www.shariaty.com](http://www.shariaty.com)

کانال تلگرام " [افسانه ی هستی](#) "

1 - خداوندا کشور مرا از خشک سالی ، جنگ و دروغ محفوظ بدار کتبیبه ی داریوش  
هخامنشی 2500 سال پیش

2 - [مشاهده ی شهر زیر زمینی اویی در تلگرام](#)

3 - [مشاهده ی قلعه ی سریزد در تلگرام](#)

4 - [مشاهده ی قلعه ی باقرآباد در تلگرام](#)